# آکادمی کنکور
# دانشگاه تهرانی ها


شماره تلفن : 021-88683915

آدرس:

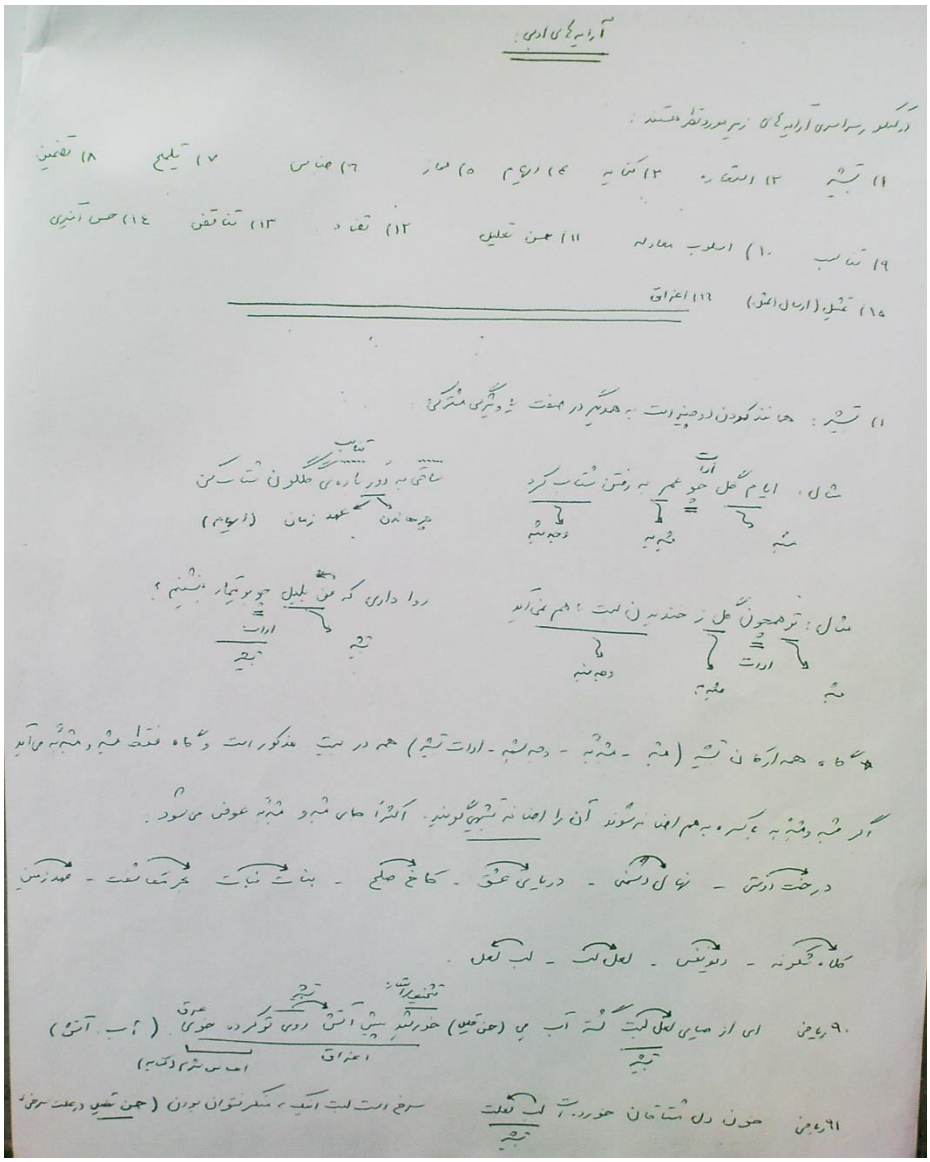
تهران - سعادت آباد - بلوار فرهنگ - کوی فرهنگ -
شهرک نیایش - خیابان 12 متری محمدی- پلاک 7


کلاس کنکور

اولین موسسه ی کنکوری کشور با کادر رتبه های تک رقمی و دو رقمی کنکور



مشاوره ی حضوری ، تلفنی و آنلاین با دانشجویان دانشگاه تهران و صنعتی شریف



آرایه‌های ادبی

در کنکور سراسری آرایه‌های زیر مورد نظر هستند:

۱) تشبیه ۲) استعاره ۳) کنایه ۴) ایهام ۵) مجاز ۶) جناس ۷) تلمیح ۸) تضمین

۹) تناسب ۱۰) اسلوب معادله ۱۱) حسن تعلیل ۱۲) تضاد ۱۳) تناقض ۱۴) حس آمیزی

۱۵) تمثیل (ارسال المثل) ۱۶) اغراق

۱) تشبیه: مانند کردن دو چیز است به هدیگر در همه یا چند ویژگی مشترکی

مثال: ایام گل چو عمر به رفتن شتاب کرد

مشبه = ادات = مشبه به

شاهی به دور باره‌ی طلعون شتاب کرد

مشبه به: پیچیدن، عهد زمان، (ایام)

مثال: ترجمون گل ز حنجرِ بلبل همی‌دمد

مشبه = ادات = مشبه به

روا داری که من بلبل چو بیمار بنشینم؟

مشبه = ادات = مشبه به

* گاه، همه ارکان تشبیه (مشبه - مشبه به - وجه شبه - ادات تشبیه) هم در بیت مذکور است و گاه فقط مشبه و مشبه به می‌آید.

اگر مشبه و مشبه به یکی باشد به هم اضافه می‌شوند و آن را اضافه تشبیهی گویند. اکثرا جای مشبه و مشبه به عوض می‌شود.

درخت آرزو - زبان دشمن - دریای عشق - کاخ صلح - بنای نبات - خرمنای لذت - عهد زمن

گلاب گونه - دندان - لعل لب - لب لعل

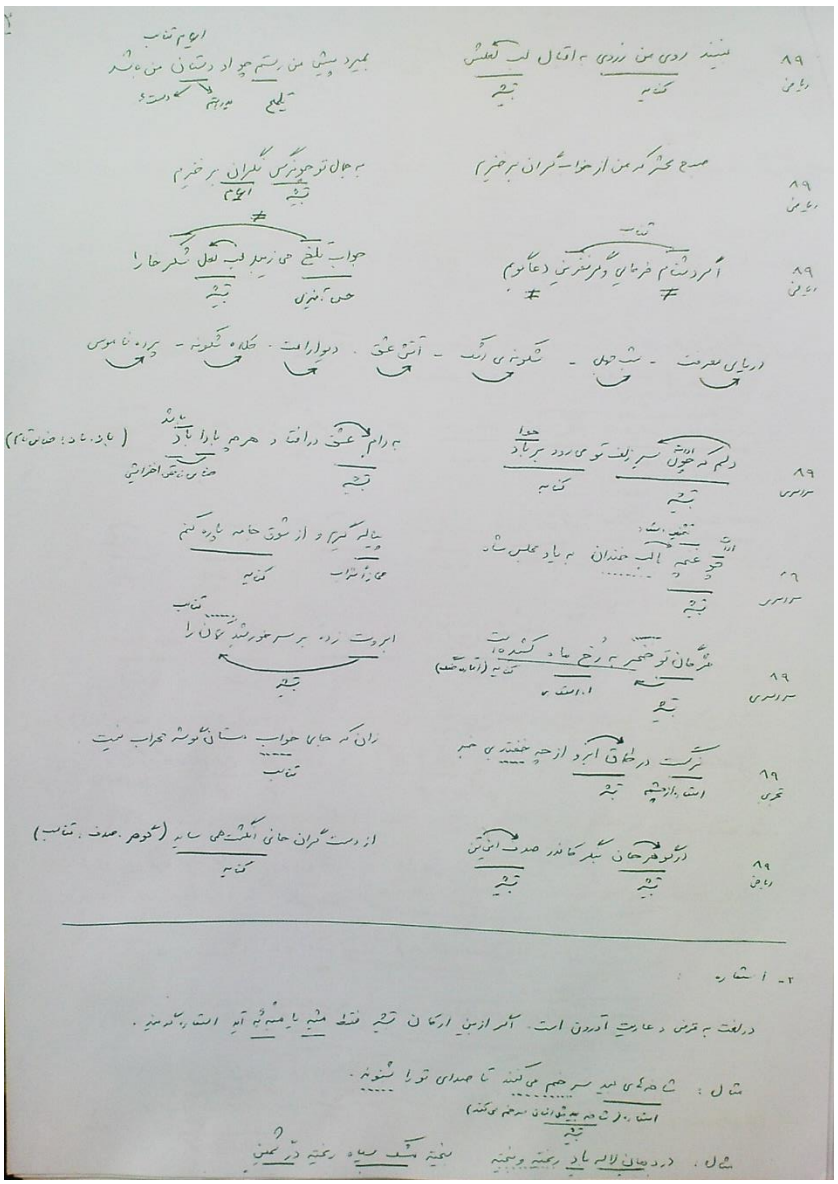
۹۰ وحشی: ای از صفای لعل لبت گشته آب می (جان من) خورشید پیش آتش روی تو کرده هوی (آب آتش)

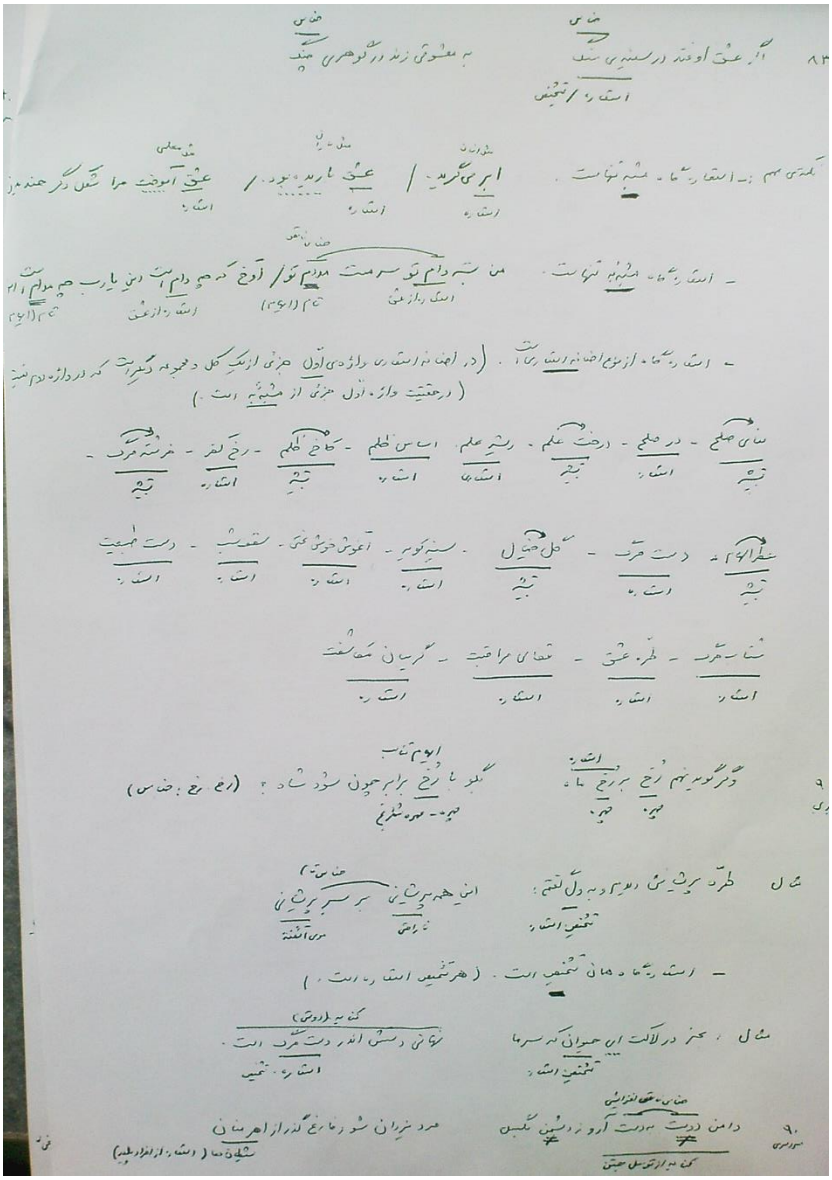
تشخیص

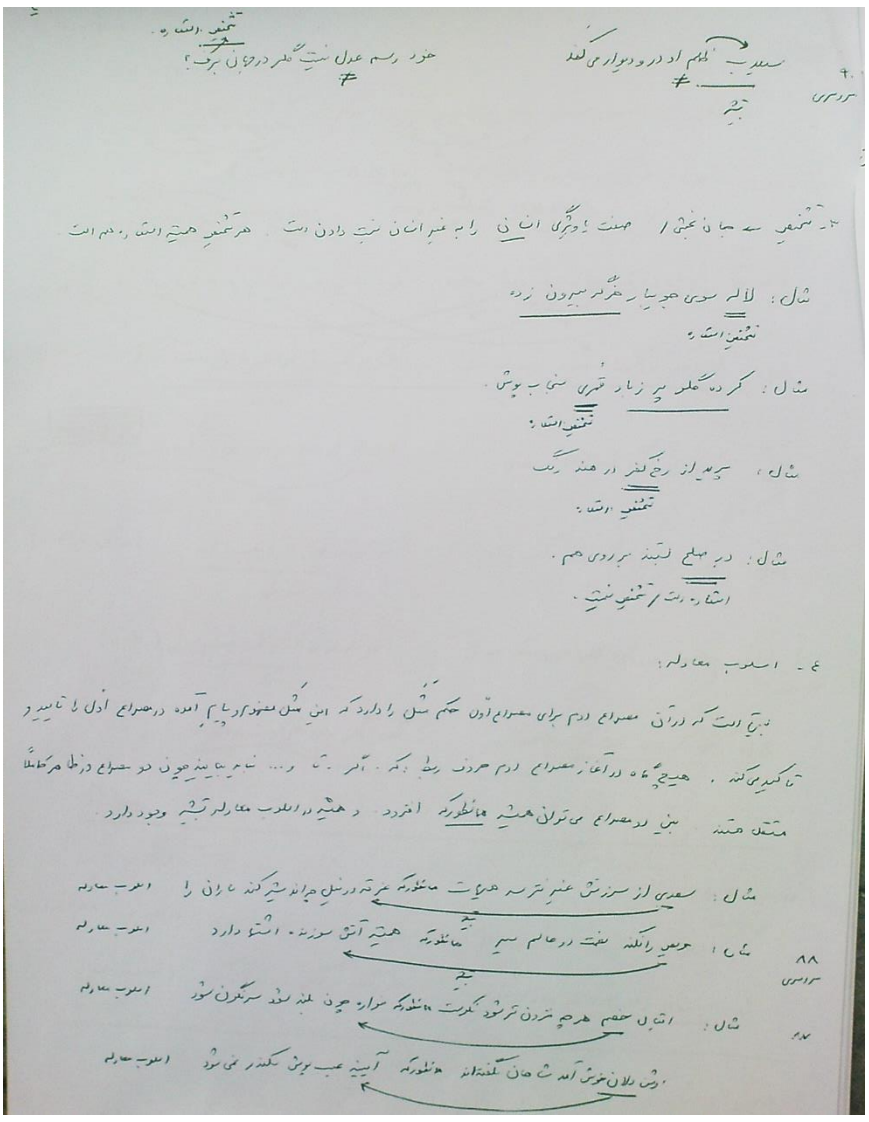
اغراق

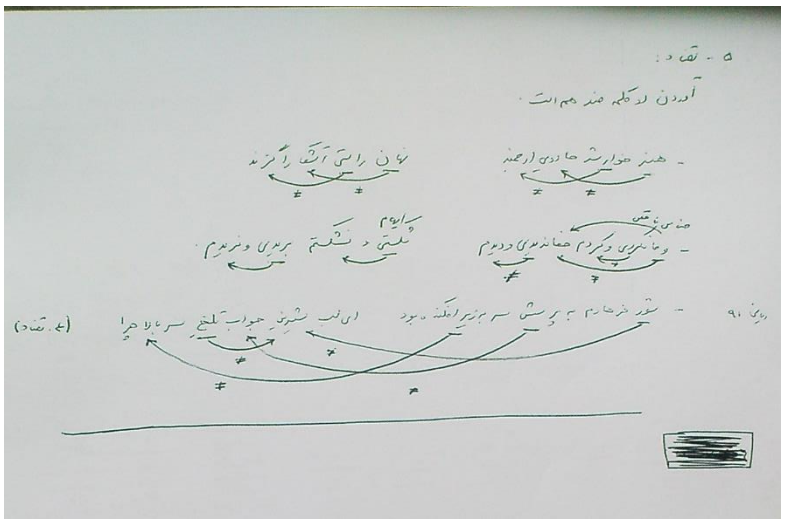
۹۱ وحشی: خون دل مشتاقان خوردن آب لعلت

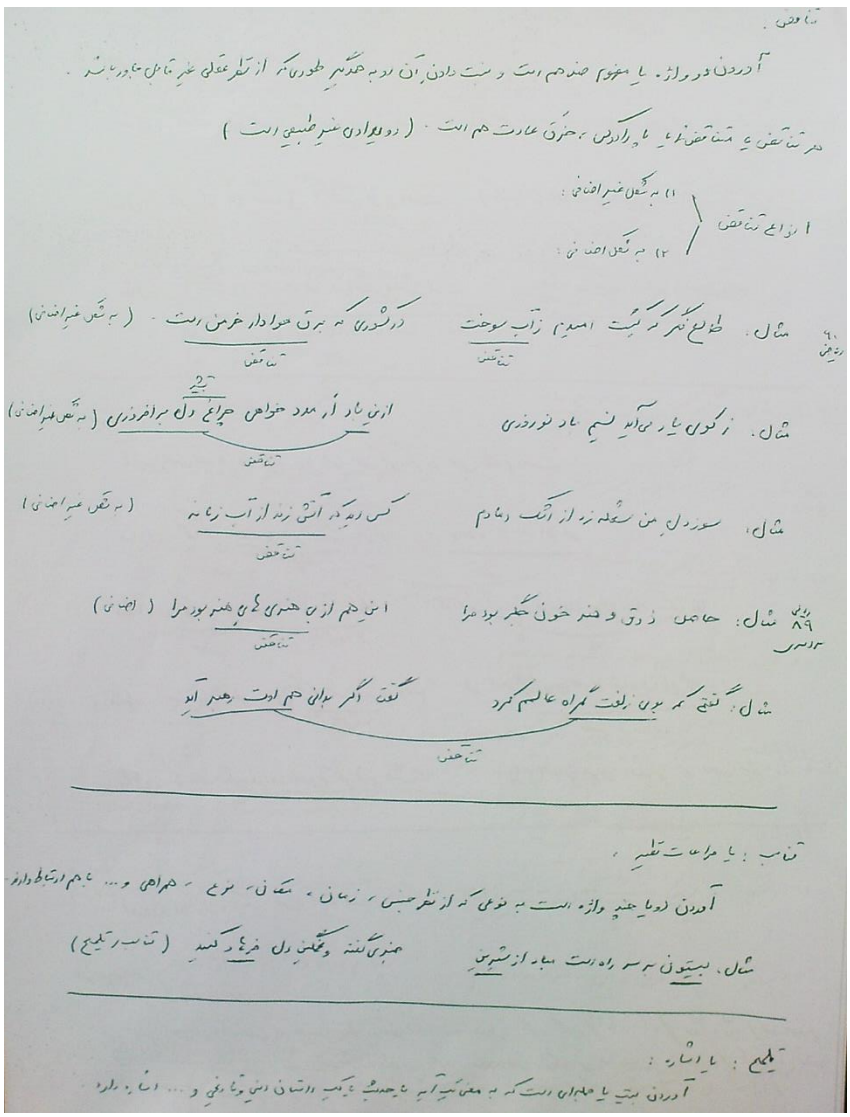
سوخ ادات لبت اشک سکر شوان بودن (جان نفس وجه شبه سوخ)

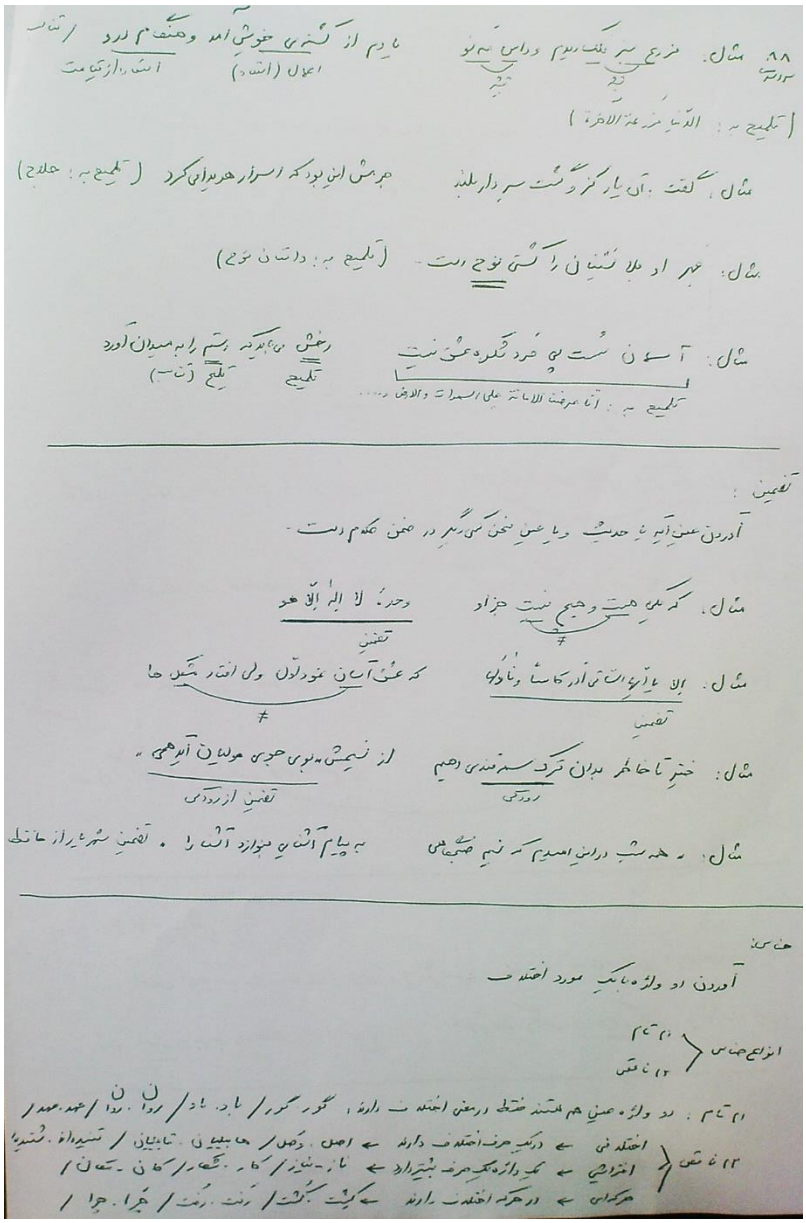


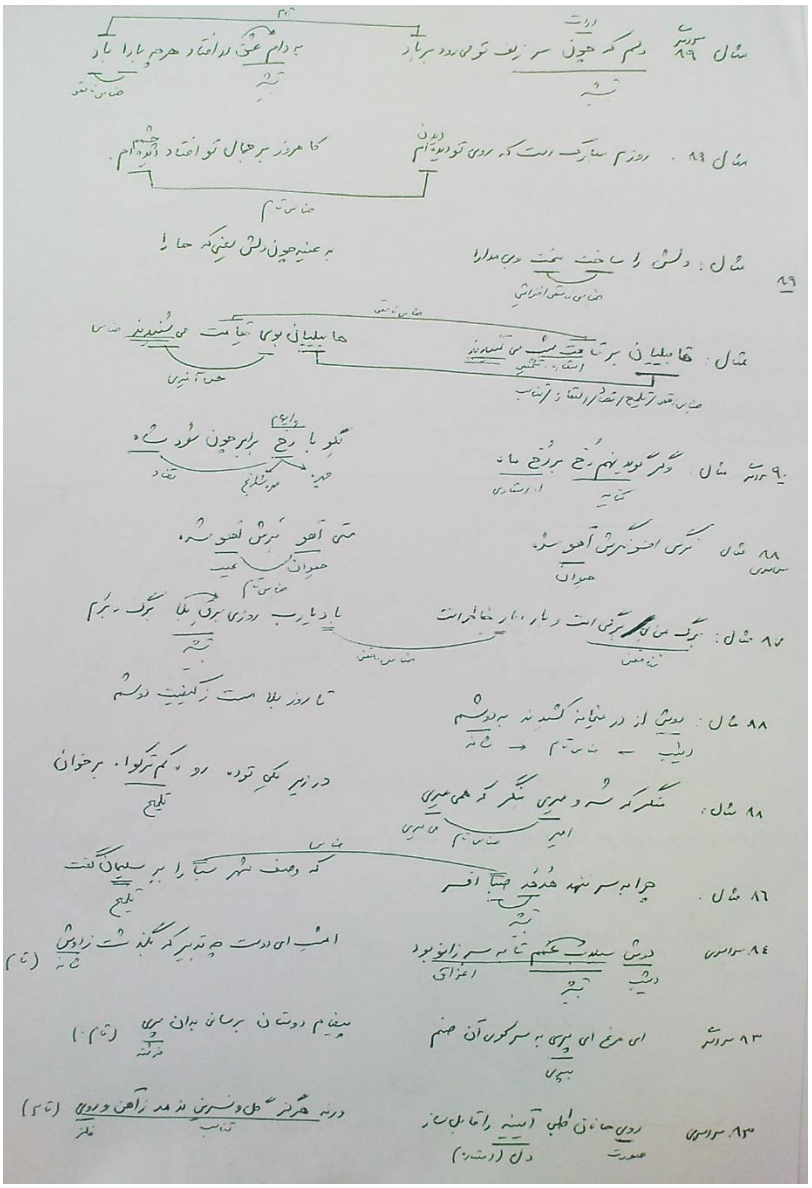


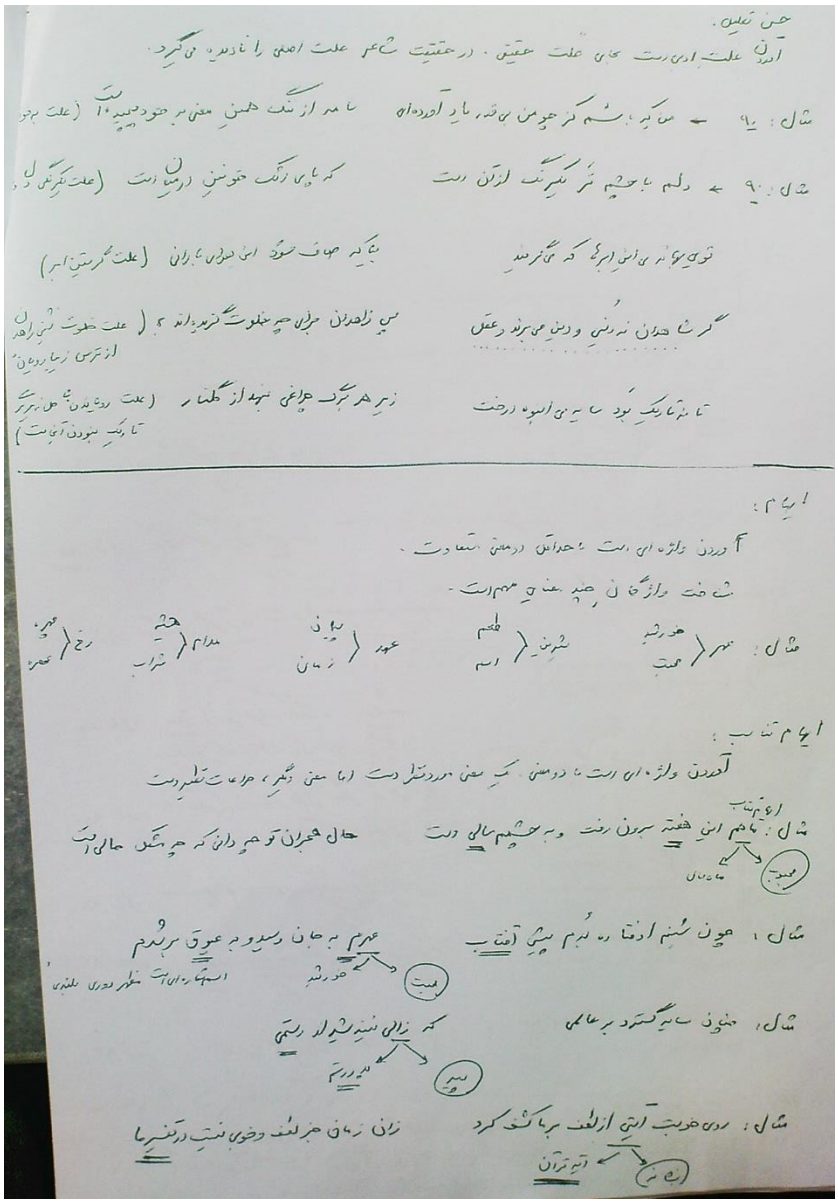


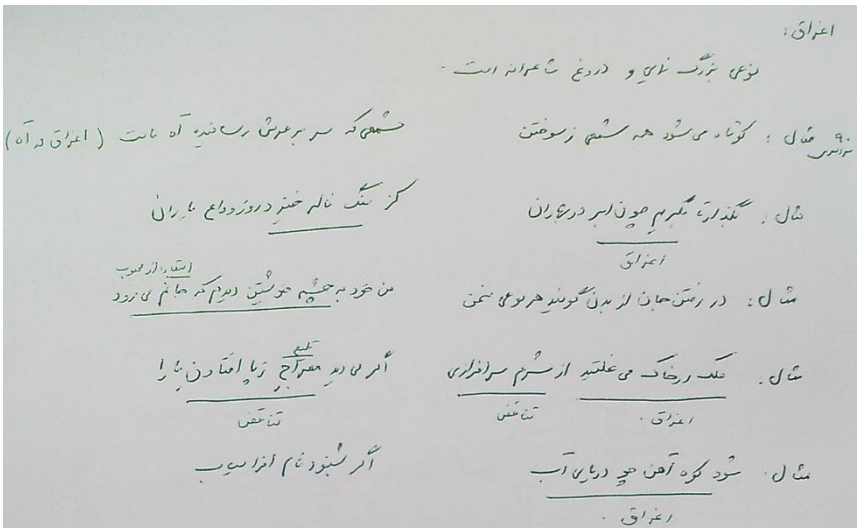

۵ - تضاد :
آوردن دو کلمه متضاد هم است .
- هنر جوانمرد ها دوری از حسد
نهان راستی آشکار را گزند
- وجایی دگرام همانندی دوم
چهارم
یکایک دشمنم بردی و مردم
(۷ - تضاد)










اعراق:

نوعی بزرگ نمایی و دروغ شاعرانه است.

مثال: کوتاه می شود همه شب زسوختن — شمعی که سر برعروس رسد خنده آه ماست (اعراق در آه)

مثال: گذارد گریم چون ابر در عزاران — کز سنگ ناله خیزد در روز وداع یاران

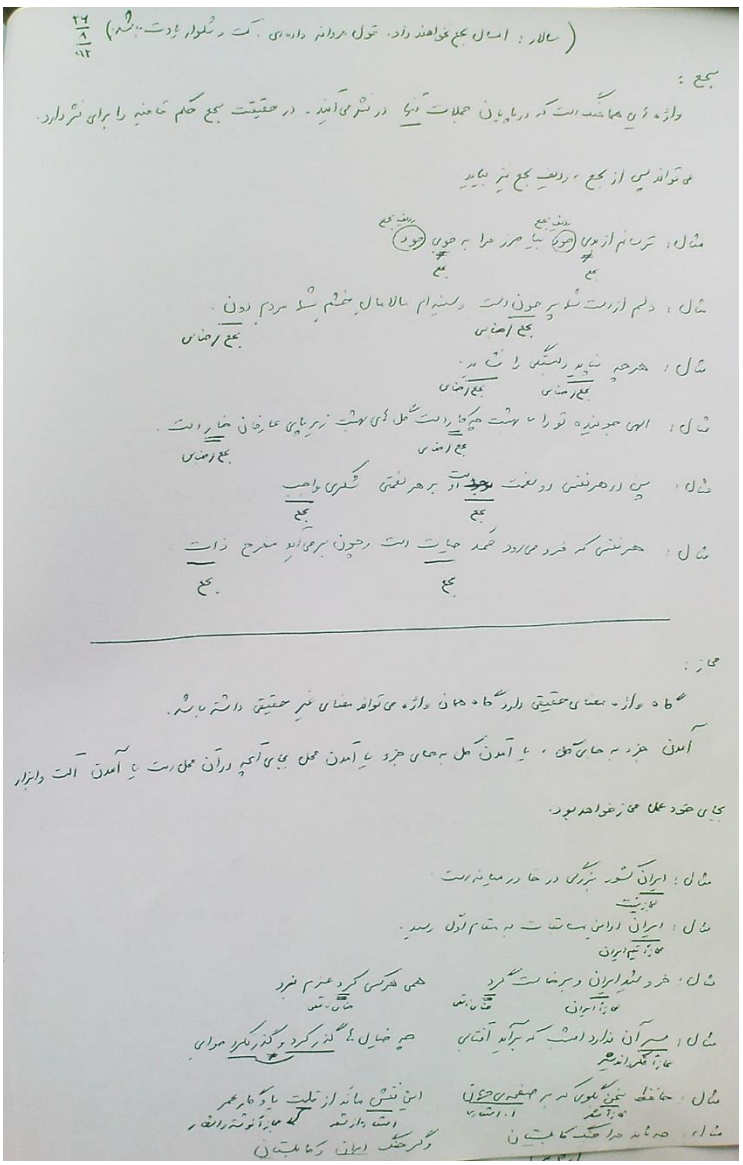
اعراق

مثال: در رهزن جان از بدن گوشه هر نوای شمن — من خود به چشم خویشتن دیدم که جانم می برود (استعاره از محبوب)

مثال: خلق رخاک می غلتند از شرم سرافرازی — آن شمن اعراق

مثال: شود کوه آهن چو دریای آب — اگر بشنود نام افراسیاب

اعراق



سالار : امسال جمع خواهند داد. تمرین دوازده‌ی کتاب را شروع کرده‌اید؟

۲۶/۱۱/۹۱

جمع :

واژه‌ی «ما» هنگامی است که در پایان جملات «یم» در نمی‌آید. در حقیقت جمع خلاف مفرد را برای ما دارد.

ما می‌توانیم از جمع، ردیف جمع نیز بیاوریم.

مثال : ترک ما از ما (ما) یار ما هرگز مرا با ما چون (خود) ما

مثال : دلم از دست شما پر خون است. دیشب‌ام سالیان خشم شما بر دوش

مثال : هرچه ما دیدیم دلتنگی را ما

مثال : الهی جمله‌ی تو را با بهشت هیچ‌جا راست گل‌های بهشت زیرپای عارفان ما پر است

مثال : من در هر نفس دو نعمت وجود است از هر نفسی شکری واجب

مثال : هر نفسی که فرو می‌رود ممد حیات است و چون برمی‌آید مفرح ذات

---

مجاز :

گاه واژه معنای حقیقی دارد گاه چنان واژه می‌تواند معنای غیر حقیقی داشته باشد.

آمدن هزینه‌ها، با آمدن گل بهاران هزینه با آمدن محل بحث آنچه در آن محل است با آمدن آلت وابزار

بنابراین خود عملا مجاز خواهد بود.

مثال : ایران کشور بزرگی در جهان است

علاقه‌ی جزء و کل

مثال : ایران دارای بیست تیم به مقام اول رسید.

علاقه‌ی کل و جزء

مثال : خرد و کلان ایران در حمایت گرد — همی هرکس کرد عزم نبرد

علاقه‌ی کل و جزء — علاقه‌ی مثل و مثل

مثال : میهن آن ندارد است که بر آید آشیان — صید خیال با گذر کرد و گذرد رهگذر هوای

علاقه‌ی مقدار و مقدر

مثال : حافظ این گلبوی که بر صحن چمن — این نقش مانده از تو یادگار عمر

علاقه‌ی آشیانه و آشیانه‌دار — علاقه‌ی ماده و ماده‌دار

شاه : همه ساله هراسم کامران — وگر جنگ ایران و کامران

